



نتیجه یک تحقیق:

حدود ۷۳ درصد پناهنده‌گان نخبه در صورت تغییر نظام سیاسی به افغانستان برمی‌گردند



ارزیابی‌ها در مورد عوامل پناهنده‌گی، وضعیت و نوع نگاه پناهنده‌گان نخبه نسبت به آینده کشور نشان می‌دهد که بیش از ۷۳ درصد آنان در صورت تغییر نظام سیاسی افغانستان موافق به بازگشت هستند. حدود سه درصد از پناهنده‌گان نخبه که در این تحقیق اشتراک کرده‌اند، گفته‌اند که به‌زودی به کشور باز می‌گردند، در حالی که به گفته بیش از ۲۰ درصد دیگر، آنان نیت بازگشت به افغانستان را ندارند. به این ترتیب، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در صورت تغییر نیافتن نظام سیاسی در افغانستان، ۹۶.۸ درصد...

۵



فساد گسترده طالبان در روند حج

یافته‌های روزنامه ۸ صبح از سه ولایت حوزه غرب افغانستان نشان می‌دهد که والیان طالبان، فرماندهان محلی، جنگ‌جویان این گروه و ورثه کشته‌شده‌گان آنان براساس سهمیه مشخص و بدون سپری کردن مراحل قرعه‌کشی، برای ادای مراسم حج فرضی سال جاری به مکه رفته‌اند. براساس این یافته‌ها، روند انتخاب معلمان حج نیز در گروه طالبان بوده است و کسانی به‌عنوان معلم حج انتخاب شده‌اند که سابقه بلند شورش‌گری داشتند.

۳

ایران تا چه زمانی به طالبان باج خواهد داد؟

۴

سازمان مبارزه علیه گرسنه‌گی: شمار افراد افسرده در افغانستان افزایش یافته است



به مراقبت‌های صحی، موانع تحصیل، اشتغال و برابری تحت رژیم طالبان را از عوامل مبتلا شدن زنان به افسرده‌گی عنوان کرده‌اند. چالش‌های سلامت روانی‌شان باز می‌دارد. وی افزوده است: «افرادی که با چالش‌های سلامت روان روبرو هستند ممکن است منزوی شوند و دسترسی به حمایت و درمان مناسب را چالش‌برانگیزتر می‌کند.»

در اعلامیه همچنان آمده است که حدود ۶۰ درصد از تماس گیرنده‌گان در این مدت زنان بودند. آنان از افزایش خشونت مبتنی بر جنسیت، عدم دسترسی

پیشگیری از خودکشی، آموزش داده‌اند. آصف، یکی از این مشاوران می‌گوید که همچنان سستی در کشور مردم را از درخواست کمک در زمینه چالش‌های سلامت روانی‌شان باز می‌دارد. وی افزوده است: «افرادی که با چالش‌های سلامت روان روبرو هستند ممکن است منزوی شوند و دسترسی به حمایت و درمان مناسب را چالش‌برانگیزتر می‌کند.»

در اعلامیه همچنان آمده است که حدود ۶۰ درصد از تماس گیرنده‌گان در این مدت زنان بودند. آنان از افزایش خشونت مبتنی بر جنسیت، عدم دسترسی

یک مرد در بدخشان توسط طالبان به قتل رسید

۸ صبح، بدخشان: منابع محلی در بدخشان می‌گویند که یک مرد در این ولایت از سوی طالبان به قتل رسیده است. منابع می‌گویند که این مرد محب‌الله نام داشت و باشنده روستای کاتک بالای ولسوالی شهر بزرگ ولایت بدخشان بود. محب‌الله روز سه‌شنبه، ۱۴ سنبله، از سوی طالبان در روستای یفتل پایان به ضرب گلوله به قتل رسیده است. به گفته منابع، علت این قتل تا کنون روشن نیست. طالبان گفته‌اند که این مرد توسط تفنگ‌داران ناشناس به قتل رسیده است. این در حالی است که چند روز پیش نیز یک تن دیگر در ولسوالی شهدای این ولایت از سوی طالبان به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی افغانستان به قتل رسیده بود.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران: موارد بازداشت خبرنگاران در افغانستان افزایش یافته است

۸ صبح، کابل: فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران گفته که موارد بازداشت خبرنگاران در افغانستان افزایش یافته است و همه بازداشت‌شده‌گان باید به‌گونه فوری آزاد شوند.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران روز سه‌شنبه، ۱۴ سنبله، با نشر اعلامیه‌ای سرکوب خبرنگاران در افغانستان از سوی طالبان را محکوم کرده است.



این نهاد افزوده است که نه خبرنگار در یک هفته اخیر از بند طالبان آزاد شده و طالبان دلیل بازداشت آنان را کار با رسانه‌های در خارج عنوان کرده‌اند.

این فدراسیون از طالبان خواسته است تا پرونده‌های مربوط به کار رسانه‌ها از طریق کمیسیون رسیده‌گی به شکایات و تخلفات رسانه‌ای تحت مدیریت این گروه بررسی شود. با حاکم شدن طالبان در افغانستان، رسانه‌ها و خبرنگاران کشور با مشکلات زیادی در عرصه اطلاع‌رسانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. طالبان در روزهای اخیر بازداشت خبرنگاران را در نقاط مختلف کشور افزایش داده‌اند.



نقدی بر کتاب «گریه کن سرزمین محبوب من»

صفحه ۶



امیدی در هیلهوی کانکور مردانه: دختری از سه کشور نامه پیشنهادی تحصیلی دریافت کرده است

صفحه ۵



تناقض گویی‌های یک ملا و سیه‌روزی‌های یک ملت

یکی از ملاهای طالبان به نام حماسی که او را شیخ‌الحديث می‌خوانند و احترام فراوانی به او دارند، در محفلی که وزارت خارجه این گروه برای شماری از ملاها و مهمانان غیرافغان ترتیب داده بود، به عربی دست‌وپاشکسته و پر از اغلاط گرامری سخنرانی می‌کند. او در معرفی افغانستان به خارجی‌ها، آن هم در محیطی دیپلماتیک، این کشور را دارای دو ویژه گی می‌داند؛ یکی این که از قدیم سرزمین جنگ‌جویان بوده است و دوم سرزمین علم. وی برای اثبات جنگ‌جو بودن می‌گوید که اهل این سرزمین سه بار بر هند حمله کرده‌اند، و خدا را به این کار شکر می‌گزارد، و برای اثبات جایگاه علمی این کشور سه چهار نام به ذهنش می‌رسد: دو سه تن از اهل حدیث قدیم و یکی هم والی کنونی طالبان در هرات! طبق شمارش یک تن از استادان دانشگاه که خطاهای این ملا را در صفحات اجتماعی نشان داد، او در خلال پنج دقیقه ۱۶ خطای فاحش می‌کند که برخی از آن‌ها طنزهای جالبی از آب درآمده‌اند. مثلاً می‌گوید: «نوشیروان از آکاسره جمهوری اسلامی ایران بوده است!» این سخنرانی از این جهت اهمیت ثبت در تاریخ را دارد که آینده‌گان بدانند دستگاه دیپلماسی طالبانی چگونه کسانی را به‌عنوان مغزهای متفکر دعوت می‌کرد تا از تاریخ، تمدن، فرهنگ و مفاخر این سرزمین نماینده‌گی کنند.

اما اگر از خطاهای گرامری و محتویات خنده‌دار آن سخنرانی که مایه خجالت هر افغان است بگذریم، چیزی که بخشی از درون‌مایه جدی سخنان او را تشکیل می‌دهد و می‌کوشد توجهی برای علم‌ستیزی این گروه ارایه کند، تناقض‌گویی‌های کودکانه‌ای است که دلیل محرومیت دختران افغانستان از تحصیل را توضیح می‌دهد. او از یک طرف می‌گوید که این سرزمین از قدیم سرزمین علم بوده است و از طرف دیگر می‌گوید که مردم این جامعه نامتمدن و بدوی‌اند و به این جهت ما نمی‌توانیم در خلال دو سال آنان را قانع کنیم که به تحصیل دختران رضایت دهند. کسی نیست از او بپرسد که اگر جامعه‌ای به این پیمان‌ها آکنده از جهل و بلاهت است که در قرن بیست‌ویکم تحمل درس خواندن دختران را ندارد، چگونه هزار سال قبل از امروز می‌توانسته است سرزمین علم باشد! کدام یک از این دو ادعای متناقض درست است؟ نکته زهرآگینی که در سخنان این ملا وجود دارد، کلیشه مزخرفی است که رهبران طالبان تلاش دارند آن را به روایت رسمی در گفتمان سیاست داخلی و خارجی خود تبدیل کنند و آن این که میلیون‌ها آدم شهری نمی‌توانند نماینده مردم افغانستان محسوب شوند، اما یک بخش بدوی که در بیابان‌ها به سر می‌برند، نماینده واقعی این کشور و بازتاب‌دهنده تاریخ و هویت این سرزمین‌اند. از نظر این گروه، باید رضایت جاهلان مبنای سیاست‌گذاری باشد و سرنوشت نسل‌های آینده مطابق با خواست انسان‌های بدوی و نادان شکل بگیرد. برای این گروه مهم نیست که هم اکنون صدها هزار خانواده تنها به خاطر آموزش دختران خود ناچار به ترک افغانستان شده‌اند و صدها هزار دیگر تلاش دارند خانه و زنده‌گی خود را بفروشند تا راهی به مهاجرت و سپس تحصیل دختران خود پیدا کنند. از نظر طالبان نه این بخش از شهروندان نماینده مردم افغانستان محسوب می‌شوند، نه ساکنان شهرهای کلان که شمارشان بیش از ده میلیون نفر است، نه سرتاسر ولایات غرب، شمال و ولایات مرکزی که یک‌پارچه خواهان آموزش دختران‌اند و نه مردمان زیادی در ولایات‌های جنوبی مانند خوست، پکتیا، قندهار، غزنی و مناطق مشرقی که مخالف محرومیت دختران از آموزش‌اند. افغانستان طالبانی، یعنی افغانستان انسان‌های بدوی و بیگانه با زنده‌گی مدنی و ارزش‌های شهری.

فازن پالیسی: طالبان با گروگان‌گیرها می‌خواهند که کشورها را به شناسایی رژیم یاعی خود مجبور کنند



۸صبح، کابل: نشریه امریکایی «فازن پالیسی» در مطلبی نگاشته است که احتمال دارد، طالبان دست کم ۱۰ تن از شهروندان خارجی به‌ویژه امریکایی و اروپایی را در افغانستان گروگان گرفته باشند.

لین اودانل، ستون نویس این نشریه روز سه‌شنبه، ۱۴ سنبله، نوشته است که طالبان دوباره به ترند «قدیمی گروگان‌گیری و معامله اتباع غربی» برگشته‌اند.

او با بیان این که طالبان پیشینه گروگان‌گیری غربی‌ها را برای دست‌یابی به منافع سیاسی‌شان دارند، افزود که دیدگاه‌های زیادی در پشت بازداشت‌های اخیر طالبان وجود دارد.

به گفته لین، یکی از این دیدگاه‌ها این است که طالبان با گروگان‌گیرها می‌خواهند، امریکا و غرب را وادار به شناسایی رژیم «یاعی» خود کنند. او اضافه کرد، طالبان در شرایطی که ارزش‌های تندروانه این گروه به‌ویژه منع آموزش دختران و زنان را به اجرا گذاشته‌اند، می‌خواهند افغانستان عاری از حضور غربی‌ها باشد.

برخی منابع امنیتی نیز به این نویسنده گفته‌اند که احتمال می‌رود، طالبان در حال برنامه‌ریزی برای استفاده از خارجی‌ها به‌عنوان وثیقه برای مبادله زندانیان باشند.

برخی دیگر هم فکر می‌کنند که این اقدام برای تحت فشار قراردادن دولت بایدن برای آزادسازی میلیاردها دالر ذخایر مسدود شده افغانستان در بانک‌های امریکا است. لین اودانل به نقل از میرویس ناب، معاون پیشین وزیر خارجه افغانستان نوشته است: «هدف اصلی طالبان از ربودن و بازداشت غیرنظامیان غربی این است که آنان دولت‌های خود را مجبور کنند که به جای تکیه بر سازمان‌های غیردولتی، ارتباط مستقیم با رژیم طالبان برقرار کنند. طالبان نگران جاسوسی کارمندان سازمان‌های غیر دولتی برای امریکا هستند.»

این نویسنده استرالیایی اضافه کرده است که طالبان مدت‌هاست که گروگان‌گیری را روشی مناسب برای جلب توجه مقام‌های امریکایی می‌دانند.

گفتنی است که طالبان تایید کرده‌اند که برخی اتباع خارجی به‌شمول شهروندان امریکایی در زندان‌های این گروه به‌سر می‌برند.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان چند روز پیش در صحبت با رسانه‌ها موضوع در بند بودن شهروندان خارجی را تأیید کرد؛ اما شمار دقیق آنان را ارایه نکرده است.

او گفته که این افراد به اتهام مسایل متعدد از جمله مسایل امنیتی و آنچه که او خلاف قوانین و اصول این گروه خوانده، بازداشت شده‌اند.

طالبان در بلخ یک مدرسه و مسجد متعلق به شیعیان را تخریب کردند

۸صبح، بلخ: منابع محلی در بلخ می‌گویند که افراد وابسته به طالبان ساختمان مدرسه و مسجد جعفریه متعلق به اهل تشیع در شهر مزارشریف، مرکز این ولایت را تخریب کرده‌اند. منابع روز سه‌شنبه، ۱۴ سنبله، می‌گویند که شماری از افرادی که مدعی مالکیت زمین این مدرسه هستند، روز گذشته به همکاری طالبان اقدام به تخریب ساختمان این مدرسه کرده‌اند.

به گفته منابع، ساختمان مدرسه و مسجد جعفریه در مربوطات حوزه سوم شهر مزارشریف قرار دارد و نزدیک به ۲۰ سال پیش تاسیس شده است.

گفته می‌شود که هم‌اکنون حدود ۴۰ دانش‌آموز در ساختمان این مدرسه مصروف فراگیری تعلیمات اسلامی هستند.

از سویی هم، براساس نوار تصویری که در صفحات اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، جنگ‌جویان طالبان همراه با چند تن دیگر با مردم محل درگیری لفظی می‌کنند و هم‌زمان توسط اسکواتور به تخریب این مدرسه می‌پردازند.

با تسلط طالبان بر افغانستان، این گروه همواره محدودیت‌هایی را علیه اقلیت‌های مذهبی و قومی وضع کرده است.

طالبان در مراسم دهم محرم سال روان نیز محدودیت‌های زیادی را علیه عزاداران حسینی در ولایت‌های مختلف کشور اعمال کردند.



جنبش خودجوش زنان معترض: آپارتاید جنسیتی در افغانستان با گذشت هر روز شدیدتر می‌شود

۸صبح، کابل: جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان گفته است که آپارتاید جنسیتی در کشور توسط طالبان با گذشت هر روز شدیدتر می‌شود و باید جلو آن گرفته شود.

جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان روز سه‌شنبه، ۱۴ سنبله، در واکنش به آنچه ادامه و شدت گرفتن آپارتاید جنسیتی بالای زنان کشور و سکوت جامعه بین‌المللی عنوان می‌کند، قطعنامه‌ای صادر کرده است.

به گفته آنان، سفر مقام‌های طالبان به کشورهای خارجی باید ممنوع قرار داده شود و کمک‌های نقدی نیز به این گروه صورت نگیرد. در قطعنامه آمده است: «جامعه جهانی و سازمان ملل متحد و دیگر کشورهای ذربط طالبان را به رسمیت نشناخته و برای نجات افغانستان از چنگال گروه تروریستی کاری عملی و بنیادی انجام دهند.»

آنان ضمن حمایت از تمنا زریاب پریانی، دختر اهل افغانستان که در آلمان در واکنش به سیاست‌های طالبان دست به اعتصاب غذایی زده است، گفته‌اند که اگر به خواسته‌های شان توجه نشود، اعتصاب خواهند کرد.

این در حالی است که پیش از این نیز «جنبش زنان به‌سوی آزادی» در یک نشست اعتراضی خواهان به رسمیت شناسی آپارتاید جنسیتی در افغانستان از سوی جهان شده بود.

با سلطه طالبان بر افغانستان، این گروه به دختران و زنان اجازه تعلیم، تحصیل و کار را تا کنون نداده است.

طالبان چندین باشنده غور را لتوکوب کرده و موتورسایکل‌های شان را آتش زدند



۸صبح، غور: منابع محلی در غور می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان چندین باشنده این ولایت را لتوکوب کرده و موتورسایکل‌های شان را به آتش کشیده‌اند.

منابع روز سه‌شنبه، ۱۴ سنبله، می‌گویند که طالبان در منطقه سینی ولسوالی پسابند ولایت غور چندین باشنده این ولسوالی را به اتهام جمع‌آوری و فروش گیاه یامه لتوکوب کرده‌اند.

یک باشنده محل که نمی‌خواهد از او نامی گرفته شود، می‌گوید که جنگ‌جویان طالبان خودشان از کوه گیاه یامه را جمع‌آوری کرده و سپس به فروش می‌رسانند، اما مانع باشنده‌گان محل برای جمع کردن یامه شده و حتا مردم را لتوکوب می‌کنند.

یامه گیاه کوهی است که به‌گونه وافر در ولایت

غور وجود دارد که طالبان از آن در تولید مواد مخدر نوع شیشه از سال‌های پسین به این‌سو استفاده می‌کنند.

این گروه پس از تسلط‌شان بر افغانستان، بارها ادعا کرده‌اند که کارخانه تولید مواد مخدر را در غور کشف و حریق کرده‌اند.

انفجار سرگلوله هاوان در قندهار جان یک تن را گرفت

۸صبح، قندهار: منابع محلی در قندهار می‌گویند که یک تن در اثر انفجار سرگلوله هاوان در این ولایت جان باخته است.

منابع روز سه‌شنبه، ۱۴ سنبله، می‌گویند که یک تن در جریان جمع‌آوری آهن آلات کهنه، سرگلوله هاوان پیدا کرده و آن را به خانه‌اش برده است.

به گفته منابع، پس از انتقال این سرگلوله به خانه آن انفجار کرده و جان این فرد را گرفته است. این رویداد در حوزه سیزدهم این شهر در منطقه چونی رخ داده است.

باشنده‌گان محل می‌گویند که این فرد آهن آلات کهنه را جمع می‌کرد و پس از مدتی آن را به فابریکه‌های فروخت.

پیش از این نیز در قندهار کودکان در اثر چنین رویدادهای جان باخته‌اند.

باشنده‌گان قندهار می‌گویند که اکنون نیز در بعضی از مناطق این ولایت مواد منفجر ناشده وجود دارد.

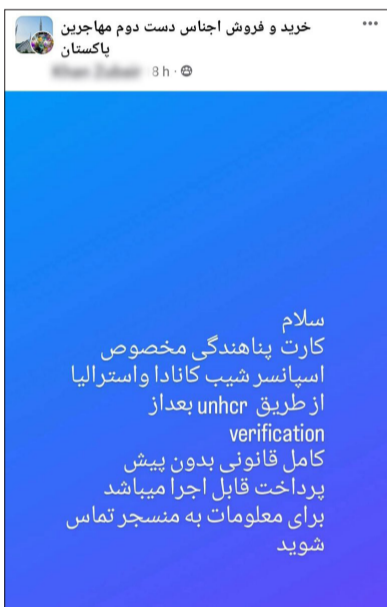
انفجار مابین‌های باقی مانده از دوران جنگ همواره جان شهروندان کشور را گرفته است.



مافیایی شدن خدمات UNHCR در پاکستان

اکنون کمیشن کاران و دلان در بازار سیاه، با گرفتن پول از پناهجویان، بخشی از مسوولیت‌های این نهاد را به پیش می‌برند. هم‌روزه دلان به‌صورت علنی در شبکه‌های اجتماعی تبلیغات می‌کنند که می‌توانند در برابر پول مشخص، مصاحبه اول کمیشنری عالی سازمان ملل متحد را تنظیم کنند.

پاکستان قرارداد دارد، خدماتی که از سوی خود این دفتر سازمان ملل ارائه می‌شود، نیز مافیایی شده و به بازار سیاه کشانده شده است. دلان در صفحات فیس‌بوک و گروه‌های مهاجران افغان در پاکستان این تبلیغات را نیز پیوسته نشر می‌کنند که می‌توانند اخذ کارت مهاجرت از نماینده‌گی سازمان ملل متحد را تسهیل کنند. در میان پناهجویان افغان در پاکستان، این زمزمه‌ها بسیار شنیده می‌شود که دلان به‌راستی می‌توانند چنین سهولت‌هایی را در بدل پول فراهم کنند. یکی از این صفحات، در تبلیغی نوشته است: «سلام، کارت پناهنده‌گی مخصوص اسپانسرشیپ کانادا و استرالیا از طریق UNHCR بعد از Verification کامل قانونی بدون پیش‌پرداخت قابل اجرا می‌باشد. برای معلومات به مسنجر تماس شوید.» اعلان مشابه دیگر نیز هم‌روزه بازنشر می‌شود که نوشته است: «سلام، کارت مخصوص به خاطر اسپانسر کشور کانادا و استرالیا از طریق UNHCR. برای معلومات، Inbox به تماس شوید.»



این دست اعلان‌ها روزانه بسیار نشر می‌شود. این اعلان‌ها نشان می‌دهد که نماینده‌گی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان، در پاکستان، توسط افرادی مدیریت می‌شود که جیب خود را نسبت به مسوولیت‌های‌شان ترجیح می‌دهند. به همین دلیل، کسانی هستند که دو سال تمام منتظر مصاحبه‌های این نهاد مانده‌اند، اما هنوز هیچ تماسی با آن‌ها گرفته نشده است؛ اما تعدادی دیگر در کمتر از شش ماه، دو یا سه مصاحبه را پشت سر گذاشته‌اند. این وضعیت، بر رنج پناهجویان بی‌خانمان افغانستان در پاکستان افزوده و اعتماد پناهجویان به این سازمان را آسیب زده است.

بازار سیاه، با گرفتن پول از پناهجویان، بخشی از مسوولیت‌های این نهاد را به پیش می‌برند. هم‌روزه دلان به‌صورت علنی در شبکه‌های اجتماعی تبلیغات می‌کنند که می‌توانند در برابر پول مشخص، مصاحبه اول کمیشنری عالی سازمان ملل متحد را تنظیم کنند و برای مهاجران وقت بگیرند. مصاحبه اول را در پاکستان یک نهاد خصوصی به نام «شارپ» انجام می‌دهد. سازمان شارپ طرف قرارداد دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان، در پاکستان است. دفتر شارپ دو تا شماره تلفن معرفی کرده است که متقاضیان باید به آن شماره‌ها زنگ بزنند و وقت ملاقات بگیرند، اما آن شماره‌ها اکثراً در دسترس نیست. بنابراین، دلان و کمیشن کاران وارد میدان شده‌اند تا در برابر پول، این خدمات را عرضه کنند و برای پناهجویان از دفتر شارپ وقت ملاقات بگیرند. نرخ‌ها هم متفاوت است و هر دلالی نرخ مشخص خود را دارد. در گروه‌های مربوط به مهاجران افغان در پاکستان، هم‌روزه این‌گونه تبلیغات را می‌توانیم ببینیم.



علاوه بر دفتر شارپ که یک نهاد خصوصی است و با دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در

سوم را نیز دارد و باید برای آن‌ها سهولت‌هایی را فراهم کند. از آن جایی که کشورهای همسایه افغانستان برنامه‌ای برای جذب و پذیرش پناهجویان ندارند تا آن‌ها به‌صورت قانونی به‌عنوان پناهنده در آن‌جا زنده‌گی کنند، این نماینده‌گی سازمان ملل با توزیع کارت‌های مهاجرت به مهاجران، زمینه اقامت قانونی و کار را برای آن‌ها فراهم می‌سازد. دارنده‌گان کارت مهاجرت این سازمان، می‌توانند در این کشورها به‌صورت قانونی کار کنند. توزیع کارت مهاجرت توسط دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان در پاکستان، پیش از سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان توسط گروه طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، به‌صورت عادی خدماتش را ارائه می‌کرد و از جمله به مهاجران و پناهجویان افغان در این کشور کارت مهاجرت توزیع می‌نمود. وقتی دولت سقوط کرد و سیلی از مهاجران به کشورهای مختلف از جمله پاکستان سرازیر شدند، این دفتر اندکی بعد، خدماتش را متوقف کرد. پس از آن، این روند گاهی کاملاً متوقف می‌شود و گاه بسیار آهسته به حرکت درمی‌آید.

در صورتی که فعالیت‌های دفتر کمیشنری عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان به‌صورت عادی ادامه داشته باشد، هم اخذ کارت مهاجرت برای پناهجویان افغان ساده نیست. آن‌ها بعد از ثبت نام، باید ماه‌ها منتظر بمانند تا نوبت اولین مصاحبه برسد. پس از آن، مصاحبه‌های دوم و سوم هم هر کدام چند ماه انتظار می‌طلبد. در نهایت وقتی همه مصاحبه‌ها ختم می‌شود، باید چند ماه دیگر نیز منتظر بمانند تا کارت‌شان صادر شود. این در حالی است که پس از سقوط دولت افغانستان، این دفتر در پاکستان فعالیت عادی ندارد. اگر مدتی کوتاه به بررسی پرونده‌های مهاجرت افغان‌ها اقدام می‌کند، مدتی دیگر به دلایل نامعلوم دست از کار می‌کشد و این روند کاملاً متوقف می‌شود.

در کنار آن که دفتر UNHCR در پاکستان خدمات مستمر و یک‌نواخت ندارد، خدمات این نهاد مافیایی هم شده است. اکنون کمیشن کاران و دلان در

که فہیم ستوده

مهاجرت یک مساله جدی برای همه جهان است، اما این پدیده در کشورهای مهاجرخیزی چون افغانستان، جدی‌تر است. مردم افغانستان حداقل طی چهار دهه اخیر، پیوسته در حال مهاجرت و ترک کشور بوده‌اند. هرچند در بازه‌های زمانی متفاوت، تعداد مهاجرت‌ها کاهش یافته، اما متوقف نشده است. وقتی حکومت پساین در افغانستان شکل گرفت و امیدها نسبت به آینده کشور زنده شد، تعدادی از مهاجران به کشور برگشتند، ولی آن امیدها به دلایل مختلف از جمله شورش مجدد طالبان و بی‌کفایتی و فساد دولت جمهوری اسلامی و به تبع آن گسترش بیکاری، چندان دیرپا نبود. بنابراین، هم‌زمان با تشدید فعالیت‌های گروه طالبان در نقاط دوردست کشور، مهاجرت افغان‌ها به کشورهای دور و نزدیک افزایش می‌یافت. هرچه جغرافیای تحت کنترل طالبان وسعت می‌شد. آن زمان بخش بزرگی از مهاجرت خارجی را مهاجرت اقتصادی تشکیل می‌داد، ولی با سقوط دولت و تسلط گروه طالبان بر کشور، مهاجرت به اوج خود رسید که اکثر آن از ترس طالبان و به منظور حفظ جان بود. از آن به بعد هم طی دو سال گذشته این مهاجرت‌ها با سرعت بسیار بالا جریان یافته است. مردم ناامید از آینده کشور و آن‌هایی که جان‌شان از سوی طالبان در خطر است، کشور و خانه خود را ترک می‌کنند و راهی کشورهای بایثبات‌تر می‌شوند.

پاکستان و ایران به دلیل نزدیکی با افغانستان، مقصد بسیاری از مهاجران افغانستانی است. با این حال، ده‌ها یا شاید صدها هزار مهاجر افغان به این دو کشور رفته‌اند تا راهی برای رسیدن به کشورهای دیگر پیدا کنند. یکی از این راه‌ها، ثبت نام در دفاتر کمیشنری عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان (UNHCR) است تا از این طریق به یکی از کشورهای مهاجرپذیر معرفی شوند. این دفتر در کنار رسیده‌گی به پرونده پناهجویان و ارجاع آن‌ها به کشورهای مهاجرپذیر، مسوولیت مدیریت مهاجران و پناهجویان در کشورهای

ایران تا چه زمان به طالبان باج خواهد داد؟



حرمت میزبان و همسایه‌داری را حفظ نکرد. امروز اما وضعیت تغییر کرده است. این کشور با گروهی طرف است که به رغم کمک‌های بی‌شمار، واگذاری سفارت افغانستان به آنان و دادن بسته‌های یورو، هنوز هم با زبان التماس و تضرع، خواستار تامین ارتباط و خدشه‌دار نشدن روابط است. به نظر می‌رسد که اعدام‌های جمهوری اسلامی و ناپدید شدن شهروندان این کشور نیز مانند آنچه در افغانستان زیر سلطه طالبان می‌گذرد، پرتعداد است. براساس گزارش‌های نهادهای حقوق بشری، رفتار گروه طالبان در مقابل زنان و سایر مردم افغانستان، جزو جنایات جنگی شمرده می‌شود و مستلزم تحقیقات دادگاه کیفری بین‌المللی است.

ادامه در صفحه ۷

تعامل ایران با طالبان، حتا از سطح تعامل این کشور با دولت مشروع افغانستان بالاست. در آن زمان حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق این کشور، در ارگ ریاست جمهوری در مقابل حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین، از اشغال افغانستان سخن گفت و

ولایت فقیه به طالبان، کارساز نیست و به جایگاه ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه، صدمه وارد کرده است؛ اما ایران این جام زهر را به خاطر تداوم روابط و حفظ وضعیت کنونی تا مدت‌های زیادی سر خواهد کشید.

که امین کاوه

پس از آن که امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، به کنایه به جمهوری اسلامی ایران گفت که تعداد اعدام‌های آن کشور از تعداد زندانیان این گروه زیاده‌تر است، نماینده رییس‌جمهور این کشور دیدارهایش را با مقام‌های طالبان افزایش داده است. حسن کاظمی قمی، سرپرست سفارت ایران در کابل، از ملا عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی رییس‌الوزرای طالبان خواسته است که فرصت صدمه به مناسبات دو طرف وارد نشود. ایران که در به قدرت رسیدن طالبان نقش اساسی داشت، مواجه شدن با چنین وضعیتی را پیش‌بینی نکرده بود. این نشان می‌دهد که سیاست باج‌دهی



نتیجه یک تحقیق:

حدود ۷۳ درصد پناهنده‌گان نخبه در صورت تغییر نظام سیاسی به افغانستان برمی‌گردند

کتاب ۸ صبح، کابل

ارزیابی‌ها در مورد عوامل پناهنده‌گی، وضعیت و نوع نگاه پناهنده‌گان نخبه نسبت به آینده کشور نشان می‌دهد که بیش از ۷۳ درصد آنان در صورت تغییر نظام سیاسی افغانستان موافق به بازگشت هستند. حدود سه درصد از پناهنده‌گان نخبه که در این تحقیق اشتراک کرده‌اند، گفته‌اند که به‌زودی به کشور باز می‌گردند، در حالی که به گفته بیش از ۲۰ درصد دیگر، آنان نیت بازگشت به افغانستان را ندارند. به این ترتیب، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در صورت تغییر نیافتن نظام سیاسی در افغانستان، ۹۶.۸ درصد این نیروهای نخبه هرگز به کشور برنمی‌گردند. در این تحقیق، بیش از ۶۰ درصد پناهنده‌گان نخبه افغانستان از تامین ثبات سیاسی در کشور ابراز ناامیدی کرده و ۵۶.۳ درصدشان انحصارطلبی گروه طالبان و مداخله‌های خارجی‌ها را از موانع ثبات سیاسی در کشور عنوان کرده‌اند. گفتنی است که بر بنیاد این گزارش، حدود نصف پناهنده‌گان نخبه دلیل پناهنده‌گی‌شان را نبود امنیت، از دست دادن آزادی‌های سیاسی-مدنی، توهین و تحقیر و بیکاری عنوان کرده‌اند. مؤسسه تحقیقات صلح و توسعه کابل پژوهشی را

زیر نام «وضعیت نخبه‌گان مهاجر افغانستان و نگرش آنان نسبت به آینده کشور» به مناسبت دوساله‌گی فروپاشی نظام جمهوری در افغانستان انجام داده است. این تحقیق بر بنیاد پرسش‌نامه و روش کمی و آماری از پناهنده‌گان نخبه که در دو سال اخیر به نقاط مختلف جهان پناهنده شده‌اند، گردآوری و سپس تجزیه و تحلیل شده است. از میان ۵۰۰ پرسش‌نامه تحقیق که با رعایت ترکیب قومی و جنسیتی به نخبه‌گان فرستاده شده بود، ۳۵۲ تن از ۳۲ کشور جهان به پرسش‌های آن پاسخ داده‌اند. براساس آمارها، سن اشتراک کننده‌گان این تحقیق از ۳۰ تا ۵۰ سال است که ۸۰ درصدشان را مردان و ۲۰ درصدشان را زنان تشکیل می‌دهند. ۴۹.۲ درصد پاسخ‌دهنده‌گان از منظر مدرک و رشته تحصیلی دارنده مدرک ماستری، ۳۰.۹ درصد دارنده مدرک لیسانس و ۱۸.۳ درصد دارای مدرک دکترای تخصصی بودند که ۶۹ درصدشان علوم انسانی خوانده‌اند. این گزارش تحقیقی نشان می‌دهد که ۴۸.۲ درصد پناهنده‌گان نخبه اهل افغانستان در گام نخست نگرانی جدی امنیتی و پس از آن، نبود آزادی‌های سیاسی-مدنی، توهین و تحقیر و بیکاری را عامل پناهنده شدن خود اعلام کرده‌اند. بر بنیاد این

گزارش، ۶۴.۲ درصد از نخبه‌های افغانستان در فاصله زمانی سقوط و یک سال پس از آن از کشور خارج شده‌اند. از میان مجموع نخبه‌گانی که در حل پرسش‌نامه‌ها سهم گرفته‌اند، ۷۵.۶ درصدشان موفق شده‌اند که با خانواده‌های‌شان پناهنده شوند. براساس این تحقیق، ۶۰ درصد پناهنده‌گان نخبه که به کشور مقصد رسیده‌اند، از نظر شغلی در کشورهای محل اقامت خود هنوز شغلی ندارند و از حمایت دولت‌های میزبان برخوردارند. دست‌کم ۵۱ درصد افرادی که دارای شغل شده‌اند نیز کارشان را مطابق تخصص خود و رضایت‌بخش نمی‌دانند. همچنان ۴۴.۵ درصد پناهنده‌گان نخبه زمینه ارتقای ظرفیت‌شان را در جوامع جدید می‌بینند و ۴۹.۷ درصد پاسخ‌دهنده‌گان به پرسش تجربه افسرده‌گی در خود یا خانواده پاسخ مثبت داده‌اند. در گزارش این تحقیق آمده است که حدود ۶۳.۹ درصد پناهنده‌گان نخبه از اقدام به پناهنده‌گی، رضایت نسبی و ۲۰ درصد رضایت کامل داشته‌اند. ۳۳.۵ درصد آنان دلیل رضایت‌شان را احساس امنیت فیزیکی و روانی خوانده‌اند و ۳۵.۵ درصد دیگر نیز گفته‌اند که امنیت، برخورداری از حقوق شهروندی و آینده بهتر فرزندان‌شان دلایل رضایت‌مندی‌شان از پناهنده‌گی است.

در این میان، ۷۳.۷ درصد اشتراک‌کننده‌گان این تحقیق گفته‌اند که در صورت تغییر نظام سیاسی در افغانستان، تمایل بازگشت به کشور را دارند. همچنان ۲۳.۱ درصد گفته‌اند که هرگز نمی‌خواهند به کشور بازگردند. ۳.۲ درصد نیز افزوده‌اند که تلاش دارند تا به‌زودی به افغانستان برگردند. براساس این گزارش، افرادی که قصد برگشت به افغانستان را ندارند، استدلال کردند که زیربنای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان ویران شده است و به راحتی قابل ترمیم و بهبود نیست. به همین دلیل، آنان آمیدی به افغانستان توسعه‌یافته و باثبات ندارند تا برگردند. آمارها نشان می‌دهد که اگر نظام سیاسی افغانستان تغییر نکند، ۹۶.۸ درصد این نیروها هرگز به کشور برنمی‌گردند. در ادامه گزارش آمده است که ۶۱.۳ درصد نخبه‌گان در مورد تامین ثبات سیاسی در کشور اظهار ناامیدی کرده و ۵۶.۳ درصد آنان انحصارطلبی گروه طالبان و مداخلات خارجی‌ها را موانع ثبات سیاسی عنوان کرده‌اند. همچنان ۳۱.۶ درصد بر انحصارطلبی گروه حاکم تاکید کردند، در حالی که به باور ۷۱.۶ درصد اشتراک‌کننده‌گان، آنان از تغییر تفکر و رویکرد طالبان ناامید بودند. پناهنده‌گان نخبه مسیر نظام مطلوب را مبارزه مدنی و فرهنگی، رای‌زنی با کشورها و مجامع بین‌المللی و راهکار نظامی برشمردند. گفتنی است که با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، ده‌ها هزار کارمند مسلکی حکومت پیشین، فعالان سیاسی، اعضای جامعه مدنی، استادان دانشگاه‌ها، اقلیت‌های قومی و مذهبی و خبرنگاران به علت تهدیدهایی که متوجه زنده‌گی آنان و خانواده‌های‌شان بود، کشور را ترک کرده‌اند. آنان در گذشته نیز گفته بودند که به دلیل ایدئولوژی و عملکرد طالبان، آینده تاریکی برای خود و کشور متصورند و نمی‌توانستند که در افغانستان بمانند.



امیدی در هیاهوی کانکور مردانه؛

دختری از سه کشور نامه پیشنهادی تحصیلی دریافت کرده است

کتاب بهینا

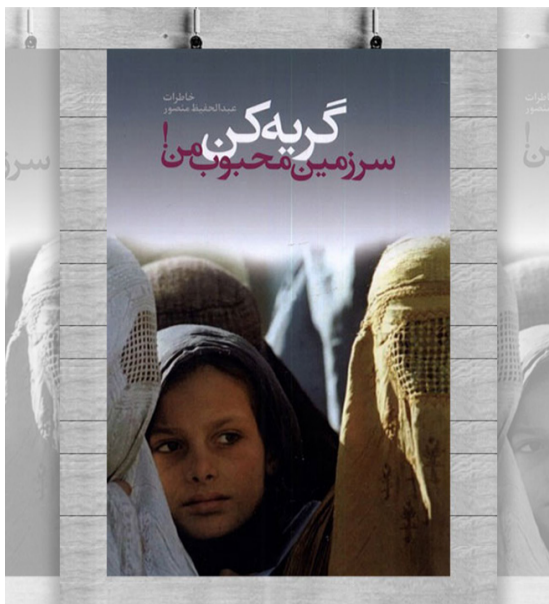
همزمان با اعلام نتیجه عمومی آزمون کانکور از سوی اداره ملی امتحانات زیر کنترل طالبان که در آن دانش‌آموزان دختر حضور نداشتند، دخترانی نیز هستند که از سرزمین جنگ‌زده با محدودیت‌های شدید شغلی و تحصیلی با همه توان در تقلا راه بدیل برای دریافت فرصت تحصیلی‌اند. با اعلام نتیجه این آزمون، اندوه و ناامیدی بار دیگر سراغ دانش‌آموزان دختر را گرفت و آنان را به یاد دوران پرمشقت آماده‌گی کانکور و بی‌خوابی‌هایی انداخت که بدون هیچ ثمری به پایان رسید. نتیجه آزمون که شاید با حضور دختران، تهمنه، شمسیه و سلگی دیگر برای تاریخ آزمون کانکور افغانستان خاطره می‌شد. با این هم در میان جو خفقان اعلام آزمون کانکور مردانه، دخترانی مثل تمنا نیز هستند که به دور از حاکمیت زن‌ستیزانه طالبان، در یکی از کشورهای همسایه با تلاش‌های فراوان، فرصت خوب تحصیلی دریافت کرده است. تمنا با وجود تنگ‌دستی و بارها سرکوب شدن در ملک بیگانه، از پنج کالج مختلف کشورهای آمریکا، کانادا و نیوزیلند نامه پیشنهادی برای ادامه تحصیل دریافت کرده است. فرصتی که شنیدن آن در میان هیاهوی کانکور، امیدوارکننده و فانوسی برای راهگشایی سایر دختران محروم از حق تحصیل در افغانستان است. تمنا ۱۷ ساله است. او دانش‌آموز صنف نهم بود که برگشت دوباره طالبان او را از ادامه تحصیل بازداشت. مدتی را در کنار دیگر دختران محروم از حق تحصیل، سردرگم در خانه سپری می‌کند و نمی‌داند چگونه خودش را از این ورطه نجات دهد. چیزی که او را از سردرگمی‌هایی می‌بخشد، امیدوار بودن به آینده و قولی است که برای رسیدن به آرزوهایش داده است. این وعده او را و می‌دارد تا از اندک‌ترین فرصت که در میان



محدودیت‌های شدید طالبانی وجود دارد، استفاده کرده و به دنبال فرصت‌های تحصیلی خارج از کشور باشد. اما برای تمنا که هنوز دوره متوسطه مکتب را تمام نکرده بود و نمی‌توانست وارد دوره کالج یکی از کشورها شود، دریافت کردن بورسیه تحصیلی کار ساده‌ای نبود. او باید برای دریافت قبولی از سوی یکی از کشورها، صنف‌های نه و ده را تکمیل نموده و بعد برای دوره کالج درخواست بدهد. روزها و شب‌ها را در جست‌وجوی راهی برای شامل شدن به یکی از بورسیه‌های تحصیلی سپری می‌کند. بالاخره درمی‌یابد که برای دریافت فرصت‌های تحصیلی ابتدا باید سطح زبان انگلیسی‌اش را تا حد تافل یا ایلتس برساند؛ دو سطح معتبر سواد زبان انگلیسی که دریافت بورسیه‌ها را آسان‌تر می‌سازد. با این که طالبان همه درهای آموزش را به روی دختران بسته و یا هم محدودیت‌های شدید وضع کرده‌اند، با مشقت‌های فراوان از جمله ضعف اقتصادی، زبان انگلیسی‌اش را ادامه می‌دهد. پس از فراگیری این زبان، برای دریافت سند تافل آزمون سطح آگاهی این زبان را سپری کرده و با اخذ ۸۵٪ موفق به دریافت سند تافل می‌شود. پس از دریافت سندی که انگیزه او را برای دنبال کردن

فرصت‌های خوب تحصیلی افزایش می‌دهد، دست به کار شده و تلاشش را چندبرابر می‌کند. برای این که بورسیه‌ها را از جای امن‌تر و بدون هیچ دغدغه‌ای دنبال کند، راهی یکی از کشورهای همسایه می‌شود. او در آنجا موفق به ادامه درس‌هایش شده و صنف‌های نه و ده را در یکی از مکتب‌هایی که خاص برای افغانان است، ادامه می‌دهد. با این که ادامه درس‌هایش در آنجا غیرممکن می‌نماید، اما با درخواست پیهم موفق می‌شود. در مدت دو سال در کنار درس‌هایش، چندین کالج کشورهای اروپایی را نیز زیر نظر می‌گیرد و فرصت‌های ادامه تحصیل را در آنجا تعقیب می‌کند. او در این مدت برای بالا بردن ظرفیت خود تلاش می‌کند تا معیارهایی که برای ورود به کالج‌ها ضروری است را کامل کند. بعد از ختم صنف ده، به چندین کشور اروپایی و امریکایی درخواست ادامه تحصیل می‌دهد. او بارها پیام رد دریافت می‌کند، اما بازم ناامید نشده و ادامه می‌دهد. با طی کردن راه‌های پرخموپیچ، تمنا اکنون از پنج کالج خصوصی مختلف از کشورهای آمریکا، کانادا و نیوزیلند نامه پیشنهادی برای ادامه دوره کالج یا صنف‌های یازده و دوازده‌اش دریافت کرده است. با دریافت این نامه‌ها، خسته‌گی و مشقت‌هایی که در پی به دست آوردن آنان متحمل شده بود را از یاد می‌برد. او آزمون‌هایی که از سوی این کالج‌ها برای دانش‌آموزان تازه‌وارد جهت بررسی استعدادهای آنان مد نظر دارند را یکی بعد دیگر موفقانه سپری می‌کند. در مرحله مصاحبه با کالج‌های مختلف تنها چیزی که او را بار دیگر در بن‌بست قرار می‌دهد، پرداخت هزینه هنگفت مصارف دوره تحصیلی‌اش است. بنا بر همین، تصمیم می‌گیرد تا به کالج‌ها درخواست دهد تا در قسمت پرداخت هزینه تحصیلی‌اش تخفیف بدهند. یکی از این کالج‌ها به نام North Cedar Academy واقع در کشور آمریکا، بنا بر

امتیازهای خوبی که در آزمون‌های دوره مختلف اخذ کرده بود، او را با تخفیف ۸۰٪ یعنی ۴۶ هزار دالر من حیث دانش‌آموز می‌پذیرد. بنا بر تخفیف داده‌شده، او مکلف است تا ۲۰٪ باقی‌مانده مصارف تحصیلی‌اش که ۱۱ هزار و ۶۰۰ دالر است را تا یک هفته بعد بپردازد تا آن‌ها برایش ویزه صادر کنند. مقدار پولی که در شرایط رقت‌بار اقتصادی افغانستان خانواده‌اش نیز قادر به پرداخت آن نیست. بنابراین، تمنا یک‌تنه برای جمع‌آوری مقدار پول باقی‌مانده کارزاری را در شبکه‌های اجتماعی راه انداخته است که در آن از هم‌وطن‌هایش خواسته است که او را برای ادامه تحصیل یاری رسانند تا زحمت‌هایش هدر نرود. می‌گوید: «در شرایطی که همه ما به کمک هم نیاز داریم، باید دست یک‌دیگر را بگیریم». تمنا از دخترانی که رهبران حاکمیت طالبان آنان را از آزمون عمومی کانکور باز داشته‌اند و در اعلام نتیجه این آزمون اسم هیچ دختری شامل نبوده است، می‌خواهد که هیچ‌گاه ناامید نشوند و محدود به قانون‌های زن‌ستیزانه طالبان نباشند. او می‌گوید که برای هر مشکلی راه‌حل هست و دختران باید فرصت‌های تحصیلی خارج از افغانستان را دنبال کنند و به جای مایوس شدن راه بیرون‌رفت از بحران‌های کنونی را دریابند: «کوشش کنید برای تان راه بسازید. راه پیش‌رفت همیشه باز است، فقط دست به کار شوید. هیچ‌کس در قبال هدف‌های ما مسوول نیست. ما خود ما مسوولیم تا به رویاهای خود برسیم». او از جامعه جهانی نیز می‌خواهد تا صدای دختران افغان که از حق تحصیل بازمانده است را بشنود و برای بیرون‌رفت از معضل آموزش زنان افغان اقدام عملی کند. بدین ترتیب، دختران بتوانند بار دیگر به دانشگاه‌ها، مکتب‌ها و آموزشگاه‌ها برای ادامه تحصیل بازگردند.



نقدی بر کتاب

«گریه کن سرزمین محبوب من»

کتاب شجاع‌الدین امینی

فرهنگ خاطره‌نویسی در افغانستان تا هنوز چنانی که باید، نهادینه نشده است. البته تک‌وتوک کسانی که دستی در سیاست افغانستان داشتند و دارند، خاطرات‌شان را نوشته‌اند. میرمحمدصدیق فرهنگ، تاریخ‌نگار معروف، محمدنبی عظیمی، عضو شاخه پرچم حزب دموکراتیک خلق، رنگین دادفر اسپینتا، روشن‌فکر و یکی از مقام‌های دولت حامد کرزی، عبدالکریم خرم، وزیر فرهنگ در دولت حامد کرزی و محمد ناطقی، سفیر پیشین افغانستان در لیبیا، کسانی‌اند که خاطرات‌شان را مرقوم کرده و به دست نشر سپرده‌اند.

عبدالحفیظ منصور نیز به‌تازگی کتاب خاطراتش را به نام «گریه کن سرزمین محبوب من» به نشر رسانده است. این کتاب در قید ۲۳۵ صفحه در سال ۱۴۰۱ از سوی انتشارات دانیال دامون، واقع در شهر مشهد ایران، به چاپ رسیده است. کتاب خاطرات منصور از این حیث حایز اهمیت است که شاهد بخشی از تحولات مهم سیاسی در افغانستان بوده است. موصوف، در دولت مجاهدین و همین‌طور در جنگ علیه سلطه اول طالبان حضور داشته است. همچنان، عضویت حزب جمعیت اسلامی را دارد؛ حزبی که جز دوره طالبان، همیشه از خوان قدرت طعام برداشته است. در اولین انتخابات ریاست جمهوری، نامزد بوده، ولی رای نیاورده است. از مردم کابل در پارلمان نماینده‌گی کرده و از نشانی حزب جمعیت اسلامی، شامل هیات مذاکره‌کننده دولت پیشین در دوحه بوده است. اکنون نیز در قطار اعضای رهبری جبهه مقاومت ملی قرار دارد.

نام عبدالحفیظ منصور به‌مثابه نویسنده یا پژوهشگر دینی زمانی بیش‌تر بر سر زبان‌ها افتاد که علیه محتوای مضمون «ثقافت اسلامی» در دانشگاه‌های افغانستان، موضع گرفت. وی در آن زمان عضو پارلمان بود و از موضع نماینده‌گی در این نهاد، محتوای درس ثقافت اسلامی را عامل گسترش تروریسم خواند: «ثقافت اسلامی همین اکنون در دانشگاه‌های افغانستان تروریست تربیت می‌کند.» این سخن، اگرچند تازه‌گی نداشت و از سوی کسان زیادی مطرح شده بود، ولی بیان آن از زبان کسی که دیانت و سیاست را جدانشدنی می‌پندارد، شگفتی‌آور بود و از این رو، با استقبال نسل جوان افغانستان مواجه شد.

کتاب خاطرات عبدالحفیظ منصور را خواندم. ضمن آن که سطحی و کم‌عمق است، آن را فاقد انسجام نیز یافتیم.

در ذیل به چند نمونه مهم اشاره می‌شود:

۱- نام کتاب، پرسش‌برانگیز است. «گریه کن سرزمین محبوب» نام رمان معروف و پرفروش از آلن پیتون، نویسنده معروف اهل آفریقای جنوبی است که از زبان انگلیسی به فارسی برگردان شده است. کسانی به نام «مویه کن سرزمین محبوب» و «بنال وطن»

نیز ترجمه کرده‌اند. نویسنده در این کتاب، وضع رقت‌بار قربانیان تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی را به تصویر کشیده و از مبارزه آنان علیه سیاست‌های نژادپرستانه نوشته است. ممکن است آقای منصور، نام کتاب خاطراتش را به تقلید از کتاب آلن پیتون انتخاب کرده باشد، ولی در متن کتاب به آن اعتراف نکرده است: «اکنون که این برگه را می‌نویسم، با غلبه تحریک طالبان، همه‌چیز، از نظام سیاسی گرفته تا ارتش و پولیس، نظام آموزشی، اداره، شورای ملی، قضا، اقتصاد، هنر، موسیقی، خلاصه همه‌چیز فروپاشیده، همه‌چیز بر باد رفته و ستاره‌ای تا هنوز در آسمان تاریک این سرزمین به چشم نمی‌رسد. از این روست که می‌گویم گریه کن سرزمین محبوب من!» (ص ۲۳۵)

۲- پس از فروپاشی دولت داکتر نجیب‌الله، افغانستان در کام جنگ داخلی که رنگ‌بوی قومی داشت، فرورفت. تراژیک‌ترین صحنه تاریخ افغانستان، همین جنگ داخلی است که از سوی منادیان جهاد راه‌اندازی شده بود. در این زمینه، کتاب و مقالات زیادی نوشته شده است، ولی نه از قلم کسانی که در صحنه حضور داشته‌اند یا یک سوی قضیه بوده‌اند. نویسنده که به‌حیث عضو فرهنگی جمعیت اسلامی در آن زمان حضور موثر داشت، می‌بایستی بخش بزرگی از کتاب خاطراتش را به جنگ‌های داخلی اختصاص می‌داد تا پهلوه‌های پنهان آن برای خواننده‌گان خوب‌تر ظاهر می‌شد. او می‌نویسد: «در دولت اسلامی مجاهدین، ریاست خبرگزاری باختر را به عهده داشتم و در آن‌جا به‌دقت از درگیری‌ها میان تنظیم‌ها و شمار راکت‌های کوری که به گوشه و کنار شهر اصابت می‌کرد، اطلاع می‌یافتیم.» (ص ۹۶)

نویسنده با آن که ادعا می‌کند در آن زمان بنگاه اطلاعات بوده، با آن هم ریشه‌های جنگ داخلی را به‌درستی کندوکاو نکرده است. فقط در کم‌تر از پنج صفحه به‌گونه پراکنده صورت قضیه را بیان داشته که همه از آن باخبرند. برای نمونه، جنگ افشار، به زخم کهنه‌ای می‌ماند که همه‌ساله سر باز می‌کند و سوز و گداز می‌آفریند، ولی آن را به چند سطر خلاصه کرده است که باری در صفحه فیس‌بوکش نیز نوشته بود: «یکی از آن درگیری‌ها، جنگ افشار است که تا امروز هزاره‌ها آن را مطرح می‌دارند و مدعی‌اند که در آن حدود ۱۰۰۰ تن از مردم هزاره قتل عام شده است. اما در واقعیت این است که کشته‌شده‌های این جنگ بیش از ۲۵ الی ۲۶ تن نیست. وقتی من در نقد یکی از پژوهشگران هزاره نوشتم، هزار کشته رقم اندکی نیست، آیا می‌شود گورستان این جمع را نشان داد؟ ایشان در واقع درماندند. خبرنگاران ما به محل رفته بود و کشته‌ها را شمرده بودند. حالا این قضیه را شماری از روشن‌فکران هزاره به مقصد دوسیه‌سازی و پناهنده‌گی به خارج دنبال می‌دارند.» (ص ۹۸).

تقلیل دادن جنگ افشار به این که روشن‌فکران هزاره می‌خواهند با استفاده از آن به خارج پناهنده شوند، شاید منصفانه نباشد، ضمن آن که کشته شدن

حتا یک نفر هم خود مساله‌ای دیگر است. آن‌چه نمی‌توان انکار کرد، وقوع جنگ و کشتار در افشار است، ولی تا هنوز روایت جامع و قابل پذیرش برای همه، از آن‌چه اتفاق افتاده ارایه نشده است. اگر نویسنده به جنگ افشار حتا به‌مثابه عضو یکی از طرف‌های درگیر عمیق‌تر و مسوولانه‌تر می‌پرداخت، شاید ابعاد پنهان آن برای مردم اندکی برملا می‌شد.

۳- نویسنده، عضویت شورای رهبری جمعیت اسلامی را دارد و ورودش به میدان سیاست از دروازه این حزب بوده است. نقش پای جمعیت اسلامی در جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی و سلطه اول طالبان قابل مشاهده است. همچنان، این حزب در جنگ‌های ویرانگر داخلی یک طرف قضیه بوده و همین‌طور در بیست سال گذشته شریک سفره قدرت بوده است. با آن هم، جمعیت اسلامی به حزب سیاسی با ویژه‌گی‌های جدید تبدیل نشده است. ادعا می‌شود که تا هنوز کنگره عمومی این حزب برگزار نشده و پست‌های حزبی براساس معیارهایی غیر از شایسته‌گی، سهمیه‌بندی می‌شود. جمعیت اسلامی در سرطان ۱۳۹۹ رسماً به دو شاخه تقسیم شد که یک شاخه را صلاح‌الدین ربانی رهبری می‌کند و شاخه دیگر را عظامحمد نور.

منصور که به‌حیث عضو فرهنگی و نویسنده در جمعیت اسلامی حضور داشته و دارد، بایستی به این مساله که این حزب چرا نمی‌تواند به سازمان سیاسی مدرن با تشکیلات منتخب تبدیل شود، می‌پرداخت که نپرداخته است. این در حالی است که موصوف در انتخابات درون‌حزبی حوت سال ۱۳۹۹ به مصاف عظامحمد نور رفت و نتوانست رای پیروزی را برای کسب مقام رهبری به دست آورد. علتی که نویسنده از پرداختن به ریشه‌ها گریز کرده، شاید این باشد که عضویتش در جمعیت اسلامی ناشیانه و از سر اتفاق بوده است، نه بر مبنای سنجش و محاسبه: «پیش از آن که تصویری از استاد ربانی دیده باشم، برنامه‌ای از جمعیت اسلامی خوانده باشم، تعهدی به احمدشاه مسعود سپرده باشم، جمعیتی شدم.» (ص ۵۶)

اگر عضو فرهنگی جمعیت اسلامی به عیوب آن نپردازد، عضوی که با تفنگ در حشر و نشر بوده است، بلاشک که از کنار آن به‌ساده‌گی رد می‌شود.

۴- منصور، در دور شانزدهم پارلمان به نماینده‌گی از مردم کابل حضور داشت و عضویتش در پارلمان را «در مدرسه پارلمان» عنوان داده است. پارلمان منتخب با شمایل و محتوای جدید از دستاوردهای نظام جمهوریست بود. نفس موجودیت پارلمان غنیمت بود، ولی عیوب فراوانی داشت که نمی‌توان از آن چشم پوشید. اتهام‌های سنگینی علیه نماینده‌گان پارلمان مطرح می‌شد. رابطه میان پارلمان و حکومت بیش‌تر پرتنش بود و فرایند رای‌دهی به مقام‌های حکومتی عادلانه و مبتنی بر شایسته‌گی نبود. منازعات قومی-زبانی در مجلس زبانه می‌کشید و حتا تصویب قوانین را به تعطیل می‌کشاند و نماینده‌گان، بیش‌ترین از

سوی حکومت به‌ساده‌گی تطمیع می‌شدند. نویسنده به نارسایی‌های فوق در پارلمان نپرداخته و فقط چند گفت‌وگو با موکلینش را به زبان ساده روایت کرده است. در جایی می‌نویسد: «نماینده مردم باید دارای تخصص و دانش لازم بوده باشد. در غیر آن در گوشه‌ای مسکوت و تماشاچی می‌ماند و یا هم از فرط بیکاری دست به کارهای خلاف و غیرقانونی می‌زند.» (ص ۱۴۸)

ولی این نماینده‌ای که ادعا می‌شود نویسنده است، به حضورش در پارلمان خوب درنگ نکرده است. تنها درس مهمی که به قول خودش از مدرسه پارلمان آموخته، این است که زنان می‌توانند نماینده خوب برای مردم باشند، ولی تاجران نه: «در شورای ملی دو نکته را آموختم. یکی این که زنان ناقص‌العقل نیستند و دیگر این که تاجران و تحصیل‌ناکرده‌ها نماینده‌گان خوبی برای مردم نیستند.» (ص ۲۱۵)

۵- نویسنده، عضویت هیات مذاکره‌کننده دولت پیشین با طالبان را در دوحه داشت. وی به نماینده‌گی از حزب جمعیت اسلامی شامل هیات شده بود: «با تشدید گفت‌وگوهای صلح، دولت افغانستان هیات ۲۱ نفره‌ای را بدین منظور تشکیل داد که به نماینده‌گی از جمعیت اسلامی افغانستان من در آن هیات حضور یافتیم.» (ص ۱۵۹)

ابعاد پنهان آن‌چه در دوحه اتفاق افتاد، تا هنوز آشکار نشده است. درست است که پیرامون آن زیاد پرداخته شده، ولی ابهامات زیادی حل‌ناشده مانده است. توافق‌نامه ایالات متحده با طالبان هنوز در هاله ابهام است و همین‌طور ماهیت آن‌چه میان هیات مذاکره‌کننده دولت پیشین با هیات طالبان اتفاق افتاده است، چندان روشن نیست. به بن‌بست خوردن مذاکرات دوحه، سوال بزرگی است که تا هنوز پاسخ نیافته است. پاسخ این سوال در ذهن کسانی چون نویسنده است که در دور میز مذاکره در دوحه حضور داشتند.

منصور به این مساله خطیر در کم‌تر از سه صفحه اشاره کرده و آن را «در کناره خلیج» عنوان داده است. در این چند صفحه به جای پرداختن به ریشه‌های پنهان آن‌چه در دوحه جریان داشته، به مسایل حاشیه‌ای و کم‌اهمیت پرداخته است. انتظار این بود که نوشته ایشان در زمینه به‌مثابه منبع قابل اعتماد مطرح شود تا همه از آن مستفید شوند، ولی سرسری و سطحی از کنار آن عبور کرده است، گویی که اصلاً در قطر حضور نداشته است.

۶- نویسنده، برای فعلاً عضویت جبهه مقاومت ملی افغانستان را دارد و اگر اشتباه نکنم، مسوولیت امور فرهنگی را به پیش می‌برد. همچنان عضویت هیاتی را داشت که به نماینده‌گی از جبهه مقاومت قبل از سقوط پنجشیر وارد گفت‌وگو با طالبان شده بود. موضع‌گیری‌های موصوف از آدرس جبهه مقاومت ملی در رسانه‌ها، گاهی غوغا می‌آفریند. تولد جبهه مقاومت ملی برای مردم مساله‌ای مهم است. این جبهه در عین حالی که هوادار دارد، منتقدان زیادی نیز دارد. محله‌گرایی و حتا خانواده‌گرایی مهم‌ترین انتقادی است که بر آن وارد می‌شود. همچنان، در عین ناتوانی، جنگیدن علیه طالب انتقاد دیگری است که مطرح می‌شود. بسیاری، دوری جستن بقیه نیروهای مخالف طالب از کنار جبهه مقاومت ملی را ضعف این جبهه تلقی می‌کنند. سقوط یک‌شبه پنجشیر با آن‌همه تجهیزات نظامی، نیز در ذهن مردم تبدیل به پرسشی شده که تا هنوز پاسخ نیافته است. درست است که نویسنده یا کسان دیگری ممکن است در رسانه‌ها به‌گونه پراکنده به این انتقادات پاسخ داده باشند، ولی در کتاب حاضر موضوعی به این اهمیت مسکوت مانده است.

کتاب «گریه کن سرزمین محبوب من» به کتابی نمی‌ماند که به قلم یک نویسنده پرکار، روزنامه‌نگار، روشن‌فکر، نواندیش، پژوهشگر دینی، وکیل یا سیاست‌مدار تحریر شده باشد؛ چون هیچ لایه پنهان تحولات سیاسی در افغانستان را برای خواننده آشکار نمی‌سازد.

ایران تاجچه زمانه...

امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، در نشست عالمان دین وابسته به این گروه، در واکنش به پیشنهاد حکومت فراگیر در افغانستان از سوی مقام‌های ایرانی، از آنان پرسیده بود: «آیا شما در کشور خود حکومت فراگیر دارید؟ آیا شما حقوق شهروندان‌تان را می‌دهید؟ در زندان‌های ما به آن تعداد که شما اعدام می‌کنید، زندانی وجود ندارد.» او همچنان گفته بود: «در کشور شما هزاران نفر ناپدیدند و کسی نمی‌تواند پی‌برد کجا هستند.» پس از این اظهارات، حسن کاظمی قمی، نماینده ویژه رییس جمهور ایران، به دیدار مقام‌های ارشد طالبان رفته است. او در روزهای گذشته با ملا عبدالغنی برادر و امیرخان متقی دیدار کرده و خواستار نرمش سخنان رسانه‌ای آنان در قبال ایران شده و از صدمه در روابط دو طرف ابراز نگرانی کرده است.

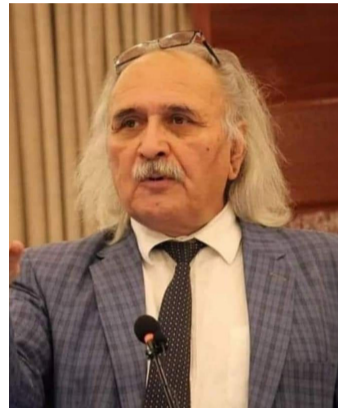
دست کم در یک دهه گذشته روابط ایران و طالبان خیلی نزدیک و گسترده بوده است. اطلاعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد تهران حتا پیش از سلطه طالبان بر افغانستان، از این گروه در تجلیل از سالگرد «انقلاب اسلامی» به گونه رسمی دعوت کرده بود. دو سال قبل وقتی طالبان به قدرت برگشتند، علی خامنه‌ای، رهبر مذهبی ایران، به طور علنی از حضور طالبان در افغانستان استقبال کرد. او هر چند مستقیم از این گروه نام نبرد، اما با اشاره از «واقعیت جدید» در افغانستان که سلطه طالبان باشد، از آن استقبال کرد. افزون بر این، ایران سفارت خود در کابل را پس از برگشت طالبان به قدرت فعال نگه داشت و پس از آن در نشست‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی از این گروه حمایت کرده است. به نظر می‌رسد آنچه ایران را وادار به تصرف به بهای رابطه داشتن با طالبان کرده است، هزینه این کشور در به قدرت رسیدن این گروه است. از طرف دیگر، ایران و طالبان نسبت به القاعده و حضور این گروه در افغانستان، منافع دوجانبه و گسترده دارند.

تهران به رغم ناامیدی و ناکامی طالبان در رسیده‌گی به بسیاری از مسایل امنیتی و مرزی، سیاست تعامل با این گروه را نسبت به انقطاع ترجیح و ادامه داده است. شماری از کارگزاران سیاسی در ایران رابطه این کشور با طالبان و القاعده را تاکتیکی تعریف می‌کنند که با مدیریت آن خطر سایر گروه‌های تروریستی علیه تهران را کم کند. از طرف دیگر، این سه ضلع در قبال امریکا، هدف مشترک دارند. ایران انتظار دارد که با کمک به القاعده و طالبان بتواند تهدیدات علیه امریکا را افزایش دهد. از سوی دیگر، سعی می‌کند از تهدیدات داعش علیه امنیت خود بکاهد، چون القاعده در سوریه و عراق نیز با نیروهای برون مرزی ایران علیه داعش همکاری داشته است.

در حال حاضر که داعش به عنوان تهدید جدی در منطقه به ویژه برای ایران مطرح است، کانون‌های امنیتی و استخباراتی سپاه پاسداران، تمام تلاش خود را خواهند کرد تا علیه این گروه در خارج از مرزهای ایران بجنگند. تهران در وضعیت موجود فکر می‌کند که با باج دادن به طالبان، می‌تواند جلو تهدیدات داعش را بگیرد و نیز القاعده مخرج مشترک و زبان مشترکی را برای اهداف کلان‌تر اتحاد ایدئولوژی‌های متضاد اسلامی علیه امریکا به وجود آورده است. دشمنی با امریکا و داعش، ایران را تا مدت‌های مدید مجبور به باج‌دهی به طالبان خواهد کرد و تمام طعنه‌ها و نازهای این گروه را تا ایجاد ساختار بدیل در افغانستان، با جان و دل خواهد خرید. برعکس طالبان با توهم پیروزی و ترساندن ایران از گسترش روابط خود با امریکا و داعش، امتیازات بیشتر از تهران می‌گیرند و این کشور را وادار می‌کنند تا از مخالفان نظامی طالبان در افغانستان حمایت نکند و مقاومت مسلحانه علیه این گروه را مردود بشمارد. سال گذشته کاظمی قمی، دیپلمات و عضو برون مرزی سپاه قدس، مقاومت علیه طالبان را پروژه امریکا دانسته بود. او گفته بود که امریکا «مجموعه‌ای را تحت عنوان جبهه مقاومت، سازمان‌دهی می‌کند که دروغ است.» او حتا موجودیت مقاومت علیه طالبان را انکار کرده بود.

مساله دیگری که برای ایران در تعامل با طالبان بسیار حیاتی است، قاچاق مواد مخدر است. ایران برای تمویل جنگ‌های نیابتی و برون مرزی خود از قاچاق مواد مخدر که با فلسفه وجودی طالبان گره خورده است، کار می‌گیرد و به نظر نمی‌رسد که با اظهارات تند و طعن‌آمیز مقام‌های این گروه، از این تجارت دست بکشد.

اندیشه‌های خیامی در سروده‌های رودکی



ک. پرتو نادری
بخش سوم

باده‌سرایی‌های رودکی رودکی سمرقندی از شمار نخستین شاعرانی است که توصیف شراب یا باده‌سرایی در شعرهای او با زتاب و جلوه‌های زیبا، رنگین و گسترده‌ای دارد که گاهی سخت با صنعت مبالغه می‌آمیزد.

زان می که گر سرکشی از آن در چکد به نیل صد سال مست باشد از بوی او نهنگ آهو به دشت اگر بخورد قطره‌ای ازو غرنده شیر گردد و نندیشد از پلنگ دیوان، ص ۹۵

می لعل پیش آر و پیش من آی به یک دست جام و به یک دست چنگ از آن می مرا ده، که از عکس او چو یاقوت گردد به فرسنگ سنگ دیوان، ص ۹۵

رودکی چنگ بر گرفت و نواخت باده انداز، کو سرود انداخت زان عقیقین میبی، که هر که بدید از عقیق گداخته نشناخت هر دو یک گوهرند، لیک به طبع این بیفسرد و آن دگر بگداخت نابسوده دو دست رنگین کرد نا چشیده بتارک اندر تاخت دیوان، ص ۷۰

باده‌سرایی‌های رودکی تنها به توصیف شراب محدود نمی‌ماند؛ بلکه او گاهی در پیوند به آداب و فرهنگ باده‌نوشی نیز پند و اندرز می‌دهد.

بد ناخویریم باده، که مستانیم وز دست نیکوان می بستانیم دیوانه‌گان بی‌هشمان خوانند دیوانه‌گان نه‌ایم، که مستانیم دیوان، ص ۹۷

با خواندن این شعر رودکی ذهن انسان به این رباعی خیام کشیده می‌شود: «گر باده خوری تو با خردمندان خور / یا با صنم لاله‌رخ خندان خور.»

توصیف شراب در شعرهای رودکی در قالب‌های گوناگونی ارایه شده است.

چنان که این غزل یکی از زیباترین نمونه‌های باده‌سرایی رودکی است.

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی بی‌باکی گویی اندر جام مانند گلابستی به خوشی گویی اندر دیده بی‌خواب خوابستی

سحابستی قدح گویی و می قطره سحابستی طرب گویی که اندر دل دعای مستجابستی اگر می نیستی، یک‌سر همه دل‌ها خرابستی اگر در کالبد جان را ندیدستی، شرابستی اگر این می به ابر اندر، به چنگال عقابستی از آن تا ناکسان هرگز نخوردندی صوابستی دیوان، ص ۱۱۰

در نخستین بیت «بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی»، شاعر می را به یاقوت مذاب تشبیه کرده است. به ساقی صدا می‌زند که بر خیز و می یاقوت رنگ بیار! مصراع نخستین شعر چنان شروع شده است که می‌پنداری شعر ساقی‌نامه‌ای است؛ اما چنین نیست. این شعر از زیباترین نمونه باده‌سرایی رودکی سمرقندی است.

این جا می در تصویرهای زیبا و رنگین چنان توصیف می‌شود که غزل را به شاهکاری بدل می‌کند. شراب در هر مصراع و در هر بیت در تصویرهای زیبا و حسی یکی پی دیگر چنان پلکان‌های بلورین رنگ‌رنگ ما را به اوج زیبایی شعر می‌رساند.

این هم نمونه دیگری که رودکی از ساقی با استعاره گل بهاری و بت تتاری یاد می‌کند و از او نبیذ روشن می‌خواهد که همان می است. بدین گونه، باده‌سرایی رودکی به ساقی‌نامه‌سرایی نزدیک می‌شود.

گل بهاری، بت تتاری نبیذ داری، چرا نیاری نبیذ روشن، چو ابر بهمن به نزد گلشن چرا نیاری دیوان، ص ۱۱۲

در یک توصیف دیگر، رودکی شراب را چنان محکی می‌داند که زشتی و خوبی انسان با آن پدیدار می‌شود. گونه‌ای اندرز است در آداب می‌نوشی که باید اندازه نگه داشت.

می آرد شرف مردی پدید آژاده نژاد از درم خرید می آژاده پدید آرد از بد اصل فراوان هنر است اندرین نبیذ دیوان، ص ۸۴

«درم خرید» کنایه از برده است و «آژاد نژاد» کنایه از انسانی است که برده نیست. این یک طرز تلقی طبقاتی در قرون میانه است که می‌پنداشتند: برده‌گان با انسان‌های آزاد جایگاه انسانی و شرف انسانی برابر ندارند. رودکی هم زیر تاثیر همین طرز تلقی می‌خواهد بگوید که انسان آزاد در برابر می استوار است و برده ناستوار است، از پای می افتد و سخنان ناهموار می‌گوید.

«مادر می» یکی از خمیه‌ها یا باده‌سرایی‌های معروف رودکی است. بی‌تردید یکی از معروف‌ترین خمیه‌ها در شعر پارسی دری. این شعر در قالب قصیده سروده شده است که این گونه آغاز می‌شود: «مادر می را بگرد باید قربان / بچه او را گرفت و کرد به زندان.» نویسنده تاریخ سیستان، قصیده «مادر می» را در تاریخ سیستان در بخش «حدیث نصر بن احمد با امیر بوجعفر» آورده است. محتوای این قصیده ترکیبی است از چگونه‌گی تولید می، توصیف شراب با بیان برخی از رویدادهای تاریخی و توصیف بو جعفر که در ۹۲ بیت سروده شده است. یعنی این قصیده گذشته از ارزش ادبی خود دارای ارزش تاریخی نیز است.

این هم چند بیت از قصیده «مادر می»:

چون بنشیند تمام و صافی گردد گونه یاقوت و سرخ گیرد و مرجان چند از او سرخ چون عقیق یمانی چند از او لعل چون نگین بدخشان ورش ببویی گمان بری که گل سرخ بوی بدو داد و مشک و عنبر با بان هم به خم اندر همی گذارد چونین تا به که نوبهار و نیمه نیسان آن‌گه اگر نیم درش بگشایی چشمه خورشید را بینی تابان ور به بلور اندرون بینی گویی گوهر سرخ است به کف موسی عمران تاریخ سیستان، انتشارات زوار، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹-۳۱۸

رودکی در نیمه دوم سده سوم و اوایل سده چهارم هجری زنده‌گی می‌کرد. از شاعران دوران سامانیان است. سال خاموشی او را ۳۲۹ هجری / ۹۴۱ میلادی نوشته‌اند.

او را به صفت استاد شاعران و گاهی هم به صفت پدر شعر پارسی دری نیز ستوده‌اند. البته رودکی نه نخستین شاعر پارسی دری است و نه هم نخستین شاعر صاحب دیوان در پارسی دری. یک دسته‌بندی محتوایی نشان می‌دهد که ذهن شاعرانه رودکی در اجزای گوناگون طبیعت، در جامعه و در پیوندهای اجتماعی، در ناپایداری و بی‌اعتباری جهان، در جدال با سرنوشت، در حاکمیت مرگ بر زنده‌گی، در عشق، توصیف شراب، می و معشوق، شادکامی و لذت و ارزش لحظه‌های زنده‌گی نفوذ کرده و شعر سروده است.

شعر پارسی دری با ظهور رودکی به ویژه‌گی‌هایی دست یافت که آن ویژه‌گی‌ها تا امروز ادامه دارند. او تقریباً در تمامی انواع و قالب‌های مهم و عمده، شعر سروده و آن را به بالنده‌گی و پخته‌گی رسانده است. بعداً شاعران سده‌های بعد، از شگردهای شاعری رودکی پیروی کردند و مقام شاعری و پیشوایی او را ستودند. دوره سامانیان که رودکی در آن می‌زیست، یکی از درخشان‌ترین دوره ادبی در تاریخ ادبیات پارسی دری به‌شمار می‌آید.

محمدعلی نظری، مقیم مهران
رضا مرادی
Info@8am.media

۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com
صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: محمد محق
سرمدیر: حسیب بهش
دبیر تولید: محمد نوید جویا
خبرنگار ارشد: امین کاوه

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

بربنیاد گزارش‌ها، علی‌رضا عنایتی، سفیر جدید ایران در عربستان سعودی وارد ریاض، پایتخت آن کشور شده است. خبرگزاری تسنیم گزارش داده که عنایتی پس از ظهر روز سه‌شنبه، ۵ سپتامبر، به ریاض رسیده و از سوی مسوولان وزارت امور خارجه عربستان مورد استقبال قرار گرفته است. روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی در سال ۱۳۹۴ در پی حمله به سفارت این کشور در تهران و کنسول‌گری عربستان در مشهد قطع شد. تنش‌ها میان دو کشور در سال ۲۰۱۹ با حمله هوایی به تأسیسات نفتی عربستان سعودی افزایش یافت. با این حال، در ماه فروری سال روان و پس از چندین دور مذاکرات مستقیم میان ریاض و تهران، دو کشور با میانجی‌گری چین به توافق از سرگیری روابط دست یافتند.

مکرون از تصمیم ممنوعیت حجاب برای دانش‌آموزان دختر در فرانسه دفاع کرد

امانویل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه دیدگاه‌هایش را در مورد محدودیت‌هایی که برای پوشش دانش‌آموزان مسلمان در مکاتب فرانسه وضع شده، شرح داده و از آن دفاع کرده است. به گزارش یورو نیوز، مکرون روز سه‌شنبه، ۵ سپتامبر، در گفت‌وگو با هوگو دکریپت، یکی از یوتیوبرهای مشهور فرانسه گفته است: «در فرانسه مطابق با قانون، مکاتب رایگان، لائیک و رفتن به مکتب برای همه اجباری است. منظور از لائیک بودن مدارس نیز این است که فرزندان ما، از ابتدای تحصیل تا زمانی که دیپلوم می‌گیرند، باید در محیطی آموزش ببینند که هیچ نشانه مذهبی در آن وجود ندارد.»



به باور وی، انتخاب حجاب به‌عنوان یک پوشش، انتخاب یک سبک لباس نیست؛ بلکه یک انتخاب مذهبی است و دانش‌آموزان مسلمان با پوشیدن آن می‌خواهند بگویند: «ما متفاوت هستیم و همین‌گونه نیز به مکتب می‌آییم.» او تصریح کرده است: «این رفتار در حالی دیده می‌شود که مکتب باید مکان بی‌طرف باشد و نه من در آن جا بدانم که مذهب شما چیست و نه شما مذهب من را بدانید.»

با این حال، رئیس‌جمهور فرانسه تأکید کرده است که پس از پایان دوره مکتب و گرفتن دیپلوم، دختران در دانشگاه می‌توانند با نشان مذهبی بروند؛ زیرا به گفته او، در آن زمان در ضمیر دانشجویان دانش و آگاهی لازم در این موضوع شکل گرفته است.

گفتنی است که به تاریخ ۲۷ اگست سال روان میلادی، مقام‌های فرانسوی اعلام کردند که پوشیدن حجاب برای دانش‌آموزان دختر در مکاتب این کشور ممنوع است.

کاخ سفید: کوریای شمالی بهای ارسال سلاح به مسکورا خواهد پرداخت



پس از نشر گزارش‌ها در مورد سفر کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی به روسیه و احتمال توافق آریه تسلیحات به مسکو، مقام‌ها در کاخ سفید می‌گویند، در صورتی که کوریای شمالی برای روسیه به‌هدف استفاده در جنگ اوکراین سلاح ارسال کند، بهای آن را خواهد پرداخت.

به گزارش رویترز جک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، سه‌شنبه‌شب، ۵ سپتامبر، در یکی نشست خبری گفت که مذاکرات تسلیحاتی میان مسکو و پیونگ یانگ در حال پیشرفت است.

سالیوان افزوده است: «نتیجه خوبی برای کوریای شمالی نخواهد داشت و آنان در جامعه جهانی بهای این اقدام را می‌پردازند.»

این مقام امریکایی تصریح کرده است که احتمال می‌رود کیم شخصاً در مورد ارسال سلاح به روسیه با پوتین گفت‌وگو کند.

مشاور امنیت ملی کاخ سفید خاطرنشان کرده است: «ما باید بنیاد صنعت دفاعی روسیه را همچنان تحت فشار قرار دهیم.»

سالیوان از کوریای شمالی خواسته تا به تعهدات خود مبنی بر عدم ارسال سلاح به مسکو پایبند بماند.

این در حالی است که کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی به‌زودی به روسیه می‌رود و با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور این کشور، دیدار و درباره ارسال سلاح به مسکو رایزنی خواهد کرد.

بریتانیا حمایت از گروه واگن را غیرقانونی اعلام می‌کند

بازی کرده است.

این تصمیم برای ممنوعیت واگن براساس قانون تروریسم ۲۰۰۰ و به‌دلیل ماهیت فعالیت‌های این گروه و تهدیدی که به شهروندان بریتانیایی در خارج از این کشور ایجاد می‌کند، گرفته شده است.

سویلا براورمن، وزیر داخله بریتانیا، در این مورد گفته است: «واگن یک سازمان خشن و مخرب بوده که به‌عنوان ابزار نظامی ولادیمیر پوتین در خارج از روسیه عمل کرده است.»

مقام‌های بریتانیایی، عملیات جنگ‌جویان مربوط به گروه واگن در اوکراین، خاورمیانه و آفریقا را تهدیدی برای امنیت جهانی دانسته‌اند.

بریتانیا این تصمیم را چند روز پس از کشته شدن بیوگنی پریگوژین، رهبر گروه واگن در پی سقوط جت شخصی‌اش اتخاذ کرده است.

این سقوط دو ماه پس از آن رخ داد که پریگوژین شورش مسلحانه کوتاه مدتی را علیه رهبری نظامی روسیه برپا و بزرگترین چالش را به اقتدار ۲۳ ساله پوتین در حکومت ایجاد کرد.



وزارت داخله بریتانیا فرمانی را برای تصویب به پارلمان این کشور فرستاده است که در صورت تأیید، حمایت از شرکت خصوصی امنیت واگن غیرقانونی اعلام می‌شود.

گاردین گزارش داده که این دستور، روز چهارشنبه، ۶ سپتامبر، به پارلمان بریتانیا آرایه می‌شود.

وزارت داخله بریتانیا در پیش‌نویس این دستور از واگن به‌عنوان یک گروه تروریستی نام برده است.

واگن از زمان تهاجم روسیه به اوکراین در فروری ۲۰۲۲، نقش مهمی را در میدان نبرد به نفع مسکو

نخستین نشست اقلیمی در آفریقا؛ آمریکا و امارات متحده عربی وعده کمک مالی دادند

آفریقای حیات‌ی خواند.

وی تصریح کرده است: «زمان آن فرا رسیده است که از قیدوبند جاه‌طلبی‌ها خارج شویم. اکنون باید شروع به هدف‌گذاری بالاتر و تلاش برای نتایج بیشتر و بهتر کنیم.»

رهبر کنیا همچنان خواستار افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه مبارزه با چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی در آفریقا شده است.



آفریقا است.»

روز دوشنبه، ۴ سپتامبر، نشست سه‌روزه با اشتراک رهبران کشورهای آفریقایی و سران چند کشور دیگر از جهان، در مورد چالش‌های مبرم تغییرات اقلیمی این قاره در نایروبی، پایتخت کنیا برگزار شد.

ویلیام روتو، رئیس‌جمهور کنیا، این نشست را برای

آمریکا و امارات متحده عربی در نخستین نشست اقلیمی قاره آفریقا تعهد کردند که میلیون‌ها دالر را در بخش مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی به این قاره کمک می‌کنند.

سی‌بی‌اس‌نیوز سه‌شنبه‌شب، ۵ سپتامبر، گزارش داده که نماینده امارات متحده عربی در این نشست، ۴.۵ میلیارد دالر را برای طرح‌های انرژی پاک در آفریقا اعلام کرده است.

در همین حال، جان کری، نماینده آمریکا در امور اقلیم، اعلام کرد که کشورش قصد دارد ۳۰ میلیون دالر اضافی را به‌هدف امنیت غذایی و مبارزه با تغییرات اقلیمی در سراسر آفریقا فراهم کند.

کری گفته است: «از ۲۰ کشور که بیشتر تحت تأثیر بحران آب‌وهوا قرار گرفته‌اند، ۱۷ کشور آن در

احتمال تغییر نام هند به بهارات پس از حضور نارندرا مودی در نشست رهبران جی ۲۰



دولت هند به رهبری نارندرا مودی در دعوت‌نامه‌هایش برای یک مهمانی شبانه در دهلی نو، هند را «بهارات» نامیده است.

یورونیوز سه‌شنبه‌شب، ۵ سپتامبر، گزارش داده که این اقدام با انتقاد تند مخالفان روبه‌رو شده است.

بهارات نام هندی «هند» است و منتقدان استفاده از آن را به‌عنوان آخرین نشانه یک فشار ملی‌گرا برای این کشور میدانند.

در دعوت‌ها از دروپادی مورمو، رئیس‌جمهور هند، به‌عنوان «رئیس‌جمهور بهارات» نام برده شده است.

پیشتر موهان باگوات، رئیس سازمان ملی‌گرای هندو راشتریا سویامسواک سانگ و یک عضو ارشد حزب حاکم بهاراتیا جاناتا به رهبری مودی، در یک سخنرانی گفت که باید به‌جای هند از کلمه بهارات استفاده شود.

وی تصریح کرده است: «گاهی از هند استفاده می‌کنیم تا کسانی که انگلیسی صحبت می‌کنند متوجه شوند. اما ما باید استفاده از آن را متوقف کنیم. نام کشور بهارات در هر کجای دنیا که بروید بهارات باقی خواهد ماند.»

با این حال، تا کنون هیچ منبع دولتی بررسی تغییر نام رسمی هند را تأیید نکرده است.

موافقان این تغییر احتمالی می‌گویند که BJP می‌خواهد هند مدرن را از گذشته استعماری دور کند و این روند از تغییر نام جاده‌ها آغاز شده است.

از سوی دیگر، دو ماه پیش، ائتلاف احزاب مخالف پیش از انتخابات عمومی هند در بهار ۲۰۲۴ نام خود را «هند» نامیدند، بنابراین تمرکز بر تغییر نام این کشور به بهارات نیز ممکن است تا حدی به این دلیل باشد.

راویندر کاتور، یک تاریخ‌نویس معاصر هند در این مورد گفته است: «حزب حاکم در تلاش است تا با یافتن نام دیگری مقابله کند. اما نکته جالب این است که هند قبلاً یک نام دوگانه دارد که در قانون اساسی ذکر شده است.»

در ماده اول قانون اساسی هند آمده است: «هند، یعنی بهارات، اتحادیه ایالت‌ها خواهد بود.»

نام هند برگرفته از واژه سانسکریت به معنی رودخانه سند است، و بهارات نیز از همین واژه گرفته شده که معنی منطقه خشکی در میان یک سرزمین بزرگ را افاده می‌کند.

نام مشهور دیگر این کشور هندوستان بوده که در زبان فارسی به معنی سرزمین سند است.

پس از انتشار تصاویر دعوت‌نامه مهمانی شام، موضوع تغییر نام هند به یک بحث داغ در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است.

این در حالی است که پیش از این نیز پرونده‌های قضایی برای تغییر نام هند به بهارات در دادگاه عالی این کشور تشکیل شده بود؛ اما قضات تاکنون از ورود به این جنجال خودداری کردند.

قرار است هند در تاریخ ۹ و ۱۰ ماه جاری میلادی میزبان نشست کشورهای بزرگ اقتصادی جهان (G۲۰) باشد.